

## رئالیسم سوسیالیستی کدامست

در این مقاله می‌آموزید: رئالیسم چیست؟ - رئالیسم کربنتیکی کدامست؟ - چگونه نویسنده می‌تواند رئالیست باشد و رئالیسم سوسیالیستی چیست؟..

نخست باید دانست رئالیسم **realism** در ادبیات یعنی چه؟ رئالیسم را باشکال گوناگون تعریف و تفسیر کرده‌اند. بدیهی است که در این میان سودپرستان کوشیده‌اند بسلیقه و میل خود توصیفی نادرست از رئالیسم در دهان مردم بگذارند. ما را با آن کاری نیست.

تعریفی که در ادبیات مترقی جهان امروز از «رئالیسم» میشود چنین است: «رئالیسم یعنی تجسم درست، عمیق و دقیق زندگی». ۱. شاید این جمله خشک برای خوانندگان ما نامفهوم باشد ازین نظر بدکر مثالی می‌پردازیم: فرض کنید نویسنده‌ای میخواهد درباره مرد پیر و فقیری که در کنار خیابان گدائی میکند چیز بنویسد. نویسنده دورا ممکن است پیش گیرد:

۱- تنها به تشریح و توصیف وضع ظاهری پیر مرد پردازد، لباس ژنده و حال رقت انگیز او را نشان دهد بی آنکه قلم خود را برای یافتن علل این رنج و بدبختی در زندگی گذشته پیر مرد، در محیط او در

۱- تاریخ ادبیات معاصر شوروی - نالیف «تیموفیف»

و ترجمه آن کمک بزرگ‌گست باهل تحقیق، دیگر کتابهایی که علوی ترجمه کرده از این قرارند: دوشیزه ارلثان (از شیلر) - کسب و کار میسز وارن (از برنارشا) - باغ آلبالو (از چخوف) - مستنطق ج.ب. پرستای - دوازده ماه (از مارشاک).

علوی که در نوول نویسی بعد از هدایت نظیر ندارد چندان از تظاهر بیزار است که اجازه نداد عکس او را در این مختصر چاپ کنیم. «نامه‌ها» کتاب تازه علوی در میان آثار گذشته او نظیری ندارد.

میدان روابط او بادبکران، بحرکت آورد.

این نویسنده هرچه در نمایش قیافه و ظاهر قهرمان نوشته خود ستاد باشد، نام «رنالیست» بخود نمی‌گیرد.

۲- ضمن توصیف وضع ظاهری پیرمرد ب جستجوی عواملی که مرد بیچاره را بآن روز انداخته برخیزد و آنها را آنچنانکه خودتخصیص می‌دهد بنمایاند.

در این حال هم تنها زمانی نام «رنالیست» براو می‌توان نهاد که علل را بدرستی تشخیص دهد، آنها را بدون پرده‌پوشی یا اغماض بنماید.

حال شاید این فکر برای شما پیش آید که در این صورت نویسنده «رنالیست» شدن چندان مشکل نیست. باید درست تشخیص داد و درست نوشت.

امامستله باین سادگی هم که در ظاهر می‌نماید نیست. شاید در دوران ما که دیگر راهها و چاهها شناخته شده و حساب ملل و دشمنان آنها از هم جدا گردیده تشخیص راه درست از نادرست چندان مشکل نباشد اما باید در نظر آورد که در همه دورهای گذشته تاریخ این چنین نبوده است پس ما وقتی درباره اثر يك نویسنده می‌خواهیم قضاوت کنیم باید اول در نظر بگیریم که او تا چه حد می‌توانسته «رنالیست» باشد یعنی زمان وضع اجتماعی او تا چه اندازه چنین میدانی باومی‌داده است.

نوشته رنالیستی ممکن است سه صورت داشته باشد:

- ۱- رنالیسم آمیخته بارمانتیسیم
- ۲- رنالیسم آمیخته باانتقاد بارنالیسم کمریتیکی
- ۳- رنالیسم سوسیالیستی:

اکنون باختصار هر يك از این سه شکل را توصیف میکنیم:

۱- رنالیسم آمیخته بارمانتیسیم - وقتیکه وضع

زمانی و اجتماعی نویسنده باو اجازه درك بعضی حقایق را میدهد اما برخی مسائل دیگر را به نیروی خیال و پیش‌گویی و پیش‌بینی حل می‌کند.

در این حال نوشته او در همانحال که رنالیستی است رمانتیسیتی (۲) هم هست.

نمونه این چنین نوشته‌ها را در آثار نویسندگان نیمه اول قرن نوزدهم می‌توان یافت .

۴ - رئالیسم آمیخته با انتقاد (رئالیسم کریاتیکی) - هنگامیکه نویسنده عیبها و نارواییهای زمان خود را درک میکند از آنها متأثر میشود - آنها را بیاد انتقاد میگیرد اما راه چاره‌ای نمی‌شناسد و نمی‌نماید .

این دوره معمولا بعد از دوره قبل پیش می‌آید و در آثار نویسندگان نیمه دوم قرن نوزدهم بخصوص نویسندگان روسی چون چخوف، کوپرین، کارولنکو و... نمونه‌های خوبی از این سبک می‌توان یافت.

۳ - رئالیسم سوسیالیستی - که امروز موضوع اصلی صحبت ماست از مظاهر هنری قرن ما و بخصوص دوران بعد از انقلاب اکبر است . در این سبک ، چنانکه در تاریخ ادبیات شوروی تالیف « تیموفیف » آمده است : « مشخصات رئالیسم و رئالیسم با هم می‌آمیزد » .

رئالیسم سوسیالیستی به تجسم زندگی نوینی می‌پردازد که زائیده عصر ماست و بیشتر تصور آن برای خوشبین ترین متفکرین هم مشکل می‌نمود .

در این زندگی نوین انسان تازه ، انسان سوسیالیست شرکت دارد این انسان نوه همه صفات برجسته پیشینیان را داراست اما بشکلی تازه و بی سابقه . او میهن پرست است ، فداکار است ، بشردوست است ، عاشق کار و زندگی است ، مایه مایه پرستی و فداکاری ، بشر دوستی و عشق او بکار و زندگی شبیه بهیچیک از نسلهای گذشته نیست .

«رئالیسم سوسیالیستی» از روابطی تازه میان افراد ، میان آنها و محیط زندگیشان میان آنها و امروز و فردایشان سخن می‌گوید . در اینجا کارگر ، قهرمان فراموش شده داستانهای پیش درصاف مقدم و در

---

رمانتیسیم **Romantism** - یعنی تجسم زندگی بآن صورت که هنوز تحقق نیافته ابا آرزوی نویسنده است ( از تاریخ ادبیات شوروی ) .

## دانشجویان اسپانیا

اینگونه در برابر پلیس فرانکو مقاومت می کنند

آنچه در زیر نقل می شود بهار امسال در «بارسلون» دومین شهر بزرگ اسپانیا گذشت.

آنروزها سبیل اعتصابیون در خیابانها و میدانهای این شهر موج می زد. دمونستراسیونهای با شکوه و متینکهای عظیم این شهر بزرگ را بشکان آورده بود. پس از دوازده سال تروری رحمانه پلیس، کارگران رام نشدنی اسپانیا آشکارا اعتراض خود را بحکومت دیکتاتوری فرانکو ابراز می داشتند. «کوتوله» نامیست که مردم اسپانیا به فرانکو داده اند از ترس بحال مرك افتاده بود. فرمان فرانکو نیروهای ذخیره پلیس و نظامی اطراف «بارسلون»

مرتبه والاتر از دیگران جا دارد. رئالیسم سوسیالیستی برای نخستین بار از او از زندگی و احساسات او از نیروی لایزال او سخن بیان آورد. ما جنبه رماتیسی این سبک هم مخصوص بخودش است. اینجا خیال نویسنده برای تجسم آینده روشن و امید بخش بکار می افتد. نویسنده پیش بینیهای خود را بر روی واقعیات زندگی حاضر پایه می نهد و با اطمینان از آینده سخن می گوید. <sup>تجسم</sup> پایه گذار این سبک در ادبیات جهان ما کسیم گورکی است که همه خوانندگان ما با آثار او آشنا هستند. پس از او نویسندگان کنونی شوروی در این راه بسیار پیش رفته و آثار گرانبهائی بوجود آورده اند.

این ساده ترین توصیفی بود که میشد ز سبکهای ادبی و «رئالیسم سوسیالیستی» کرد. در این میان اگر سؤال یا مشکلی دارید برای ما بنویسید یا اگر اشتباهی می بایید بنا تذکر دهید. در این باره بسیار می توان نوشت اما مجله ما پیش از این جا ندارد.

در شماره دیگر اطلاعات عمومی در باره «سینما» بشما می دهیم.